

نقش محمد بن ابی بکر در جنگ های داخلی دوره خلافت

امام علی (ع)

ناصر باقری بیدهندی^۱

معصوم تون زاوا^۲

چکیده:

محمد بن ابی بکر از شخصیت های تأثیرگذار در برخی از حوادث مهم در دوره خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) است. وی در دوره خلافت امام علی رویکرد همگرایی داشته است. این نوشتار، به بررسی نقش محمد بن ابی بکر در برخی از حوادث دوره خلافت امام علی از جمله جنگ جمل و صفین پرداخته است. وی در جنگ جمل نقش بسیار مهمی ایفا کرد. بنابر شواهد تاریخی، در جنگ صفین نیز حضور داشته و برای طرفداران امام علی نقطه قوتی در برابر دشمن بود.

واژگان کلیدی

محمد بن ابی بکر، امیرالمؤمنین علی^۷، همگرایی، نقش، جنگ جمل، جنگ صفین.

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

محمد بن ابی بکر در بیست و پنجم ذی القعدة (اسدالغابه، ج ۴، ص ۳۲۶) سال دهم هجری در مسیر کاروان حجة الوداع پیامبر اکرم از مدینه به مکه، در مکانی به نام «بیدا» چشم به جهان گشود. (طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۱ و بلاذری، ج ۱، ص ۵۳۸) کنیه‌ی محمد به گفته‌ی ابن قتیبه، ابوالقاسم است. (ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۵۳) واقدی و ابوحاتم حنظلی رازی، از طرق مختلف نقل کرده اند که عایشه، خواهر وی کنیه‌ی او را «ابو القاسم» گذاشت. (ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۵۳۸) کسانی دیگر کنیه‌ی او را اباعبدالرحمان گفته اند. (ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۵۳) بعضی هم کنیه‌ی او را اباعبدالملک گفته اند. (بلاذری، ج ۱، ص ۵۳۸) مشهور آن است که کنیه‌اش محمد ابالقاسم بود. علت شهرت این کنیه این است که محمد دارای پسری به نام قاسم بود. محمد بن ابی بکر، ملقب به «عابد قریش» (مسعودی، ج ۲، ص ۳۰۰) نیز بوده است.

پدر محمد ابوبکر، عبدالله بن ابی قحافه (ابوبکر) از تیره‌ی بنی تئیم بن مره از تیره‌های قریش است. (طبقات ج ۳، ص ۱۲۵ و ۱۲۶ و جمهره انساب العرب، ص ۱۳۶) وی پس از درگذشت پیامبر، به عنوان خلیفه به قدرت رسید که چگونگی انتخاب او در تاریخ، به یکسان گزارش نشده است. ابوبکر در سقیفه‌ی بنی ساعده، بر اساس طرحی عجولانه به خلافت رسید. (حتی، ص ۱۸۰) مادر محمد بن ابی بکر، اسما، دختر عمیس بن معدبن تیم خثعمی (طبری، ج ۲، ص ۳۵۱) از قبیله قحطانی بنی خثعم بن انمار و مادر اسما خوله معروف به هند، دختر عوف بن زهیر بن حارث بن حماطه، از مردم جرّش، است. (جمهره انساب العرب، ص ۴۳۶) اسما همراه اولین همسرش جعفر بن ابیطالب، از نخستین اسلام آورندگان است. (اسدالغابه، ج ۶، ص ۱۴ و طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۱۹) در سال هشتم هجری، پس از شهادت جعفر بن ابیطالب در سریه‌ی موته، پیامبر از اسما دلجویی کرد. (طبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۰) در جنگ حنین - که پس از فتح مکه در سال هشتم روی داد - پیامبر او را به عقد ابوبکر درآورد. (ابن حجر، ج ۸، ص ۲۱۵) ثمره‌ی این ازدواج تولد محمد بود که در سال دهم هجری در بیدا اتفاق افتاد.

محمد بن ابی بکر پدر خود را در سه سالگی از دست داد. (قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۹۷) و پس از ازدواج مادرش با امام علی به خانه‌ی آن حضرت رفت و تحت تأثیر و تربیت خاندان اهل بیت

قرارگرفت. این دوران نقش مهمی در رشد معنوی و فکری محمد داشت و او را فردی عالم و زاهد و شجاع و مبارز ساخت.

آغاز حضور محمد بن ابی بکر در صحنه‌ی فعالیت‌های سیاسی و نظامی، در دوره‌ی خلافت عثمان بود. سال دقیق آغاز حضور محمد در لشکرکشی‌های مسلمانان به سرزمین‌های کفر در تاریخ ثبت نشده است. احتمالاً محمد بن ابی بکر پس از رسیدن به سن بلوغ، به عنوان رزمنده در جنگ‌های دوره‌ی عثمان علیه غیر مسلمانان شرکت می‌کرده است. اولین گزارشی که حضور محمد بن ابی بکر را در جنگ ثبت کرده، بنابر نقل مورخان، جنگ «صواری» (طبری، ج ۴، ص ۲۸۸ و ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۷) بوده است. محمد در دوره‌ی خلافت عثمان نقش کلیدی و بسیار مهمی ایفا کرد که برای پرداختن به این مباحث مجالی نیست. چون مقاله‌ی حاضر مربوط به نقش محمد بن ابی بکر در دوره‌ی خلافت امام علی است، دراین مقاله به بررسی نقش محمد در جنگ های این دوره، از جمله جنگ جمل و صفین خواهیم پرداخت.

محمد بن ابی بکر که علاقه‌ی خاصی به امام علی داشت و فقط او را لایق جانشینی پیامبر می دانست، پس از مرگ عثمان، فرصتی برای رساندن منصب خلافت به اهلش یعنی امام علی پیدا کرد. وقتی که گروه‌های مختلف برای اعتراض به عملکرد نادرست عثمان قیام کردند و به مدینه آمدند، هرگروهی برای ارائه‌ی اعتراض‌های خود به نزد شخصیت‌های ساکن مدینه رفتند. اما مصریان از همان ابتدا تمایل به امام علی داشتند و به نزد ایشان رفتند. (طبری، ج ۴، ص ۳۴۹) شکی نیست که حضور محمد بن ابی بکر در میان رهبران مصری، این تمایلات را دوچندان کرد. بنابراین پس از مرگ عثمان، مردم مدینه جمع شدند و برای تعیین سرنوشت خود با اصحاب بزرگ مهاجر و انصار - همراه با اعضای قبلی شورای منتخب عمر - به مشورت پرداختند. در این میان شخصیت‌های بزرگی همچون مالک اشتر، عمار و محمد بن ابی بکر حضور داشتند. در این مشورت تنها نامی که شایسته‌ی خلافت بود، امام علی بود. بدون تردید، محمد بن ابی بکر مصریان را در این امر مجاب کرده بود. در این جریان، مصریان نسبت به گروه‌های دیگر کوفیان و بصریان فعالیت بیشتری داشتند. بقیه‌ی گروه‌ها پیرو مصریان بودند. (طبری، ج ۴، ص ۴۳۴)

زمانی که مردم متفق القول شدند که امام علی را به عنوان خلیفه انتخاب کنند، در پیشاپیش

مردم، مالک اشتر، محمد بن ابی بکر و عمار بن یاسر حرکت می کردند (مفید، ص ۱۶۲) و مردم مصر نیز به پیروی از محمد بن ابی بکر پرداختند تا به خانه‌ای که علی در آن بود رسیدند و با اصرار زیاد مردم و صحابه پیامبر، امام علی بیعت کرد و خلافت را به عهده گرفت.

محیطی که امیر المومنین علی از حکومت سیزده ساله عثمان به میراث برد، با محیط خلافت شیخین تفاوت داشت. از طرفی، وفور نعمت و غنیمتی بود که از پیشرفت و تسلط اعراب بر کشورهای مغلوب به دست آمده بود و از طرف دیگر چگونگی توزیع و تحصیل مال و مقام. در نتیجه طبقه‌ای جدیدی ایجاد شده بود که در روزهای آخر حکومت عثمان صاحب ثروت زیادی شده بودند و از عدالت علی بر خودی و بیگانه و دادگری او نسبت به ضعیف و قوی آشنا بودند و طبعاً از خلافت علی تنفر و وحشت داشتند.

کم کم طبقه‌ای اعلام نارضایتی کرد که از زمان عمر، با فتوحات و بعداً در زمان عثمان در اثر سیاست مالی وی و اقطاعاتی که دریافت کرده بودند ثروتی اندوخته، اما قدرت سیاسی نیافتند و تصور می کردند که امیرالمؤمنین علی به آنان قدرت سیاسی و بر منطقه ای ولایت خواهد داد. طلحه و زبیر که خلیفه‌ی دوم آنان را در شورا، همتای علی قرار داده بود، اکنون از امیرالمؤمنین علی (ع) انتظار داشتند آنان را در حکومت خود شریک کند.

ایشان زمانی که دیدند امام علی بیش از خلفای سه گانه‌ی پیشین، به سنت و سیره‌ی رسول خدا نزدیک است، تحمل نکرده و علم مخالفت، علیه امیرالمومنین علی برداشتند و مشکلاتی را برای حکومت وی ایجاد کردند. بهانه‌ی آنان برای مخالفت با امیرالمؤمنین علی قتل عثمان بود. تقریباً هرکسی که با امیرالمؤمنین علی مخالفت می کرد بهانه‌ی قتل عثمان را می آورد.

۱. محمد در جنگ جمل

جنگ جمل اولین جنگ داخلی بود که ۷ ماه پس از خلافت امیرالمومنین علی، در ماه جمادی الثانی سال ۳۶ ق اتفاق افتاد. (طبری، ج ۴، ص ۵۰۶ و یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۲ و مسعودی، ج ۲، ص ۳۵۱) این اولین فتنه‌ی فرصت طلبان و سودجویان از واقعه‌ی قتل عثمان است که دستاویزی علیه امیرالمومنین علیه السلام قرار دادند. سرکرده‌ی این گروه، خواهر محمد بن ابی بکر، عایشه بود.

اجماع راویان و سیره نویسان این است که پس از مرگ عثمان جارچی ها برای اعلام خبر مرگ او، به همه جا روانه شدند و چون جارچی به مکه رسید و عایشه این خبر را شنید، نخست شاد شد و گفت: کردارش او را به کشتن داد، زیرا کتاب خدا را سوزاند و سنت پیامبر خدا را از میان برد و خدایش بکشت. او از جارچی پرسید: مردم با چه کسی بیعت کردند؟ گفت: هنوز از مدینه بیرون نیامده بودم که طلحه بزها و گوسفندان عثمان را تصرف کرد و کلیدهایی برای درهای بیت المال ساخت و ظاهراً شکی نیست که مردم با او بیعت کرده اند. عایشه گفت: آری، ای انگشت کوچک! (خطاب به طلحه در غیاب او) تو را برای خلافت شایسته و سزاوار دیدند؛ سپس گفت: بارهای مرا ببندید که عمره ام را گزارده ام و می خواهم به خانه ی خود بروم. چون بار او را بستند، بر مرکب خود سوار شد و حرکت کرد و چون به منطقه ی سرف رسید، ابراهیم بن عبید بن ام کلاب را دید، از او پرسید: چه خبر است؟ گفت: عثمان کشته شد. عایشه گفت: بگو پیر نادان کشته شد. سپس گفت: داستان و چگونگی آن را برای من نقل کن. گفت: مردم، عثمان و خانه اش را محاصره کردند و خودم دیدم که طلحه بر کار پیروز است و برای بیت المال قفل و کلیدهای تازه می ساخت و آماده می شد که مردم با او بیعت کنند، ولی همین که عثمان کشته شد مردم به علی بن ابی طالب مایل شدند و حاضر نشدند به طلحه و هیچ کس دیگر توجه کنند و به جستجوی علی (ع) پرداختند. طلحه و زبیر هم همراه ایشان بودند. آن دو برخاستند و بیعت کردند و من دست هر دو را دیدم که برای بیعت در دست علی نهادند. سپس علی به منبر رفت و سخنانی گفت که به خاطر ندارم و مردم همان روز همچنان که علی بر منبر بود با او بیعت کردند و فردای آن روز هم بیعت ادامه داشت و روز بعد، من از مدینه بیرون آمدم و دیگر نمی دانم پس از من چه اتفاقی افتاده است.

عایشه گفت: ای برادر بکری! آیا تو خود دیدی که طلحه با علی بیعت کرد؟
گفتم: به خدا سوگند خودم دیدم که طلحه با او بیعت کرد و همین که گفتم: طلحه و زبیر نخستین کسانی بودند که بیعت کردند، استرجاع بر زبان آورد و گفت: به خدا سوگند، این مرد [علی] را دوست نمی دارم و علی حق آن دو را غصب کرد و عثمان، خلیفه ی خدا، مظلوم کشته شده است؛ استرها و باروبنه مرا برگردانید. و آنگاه به مکه بازگشت. (مفید، ص ۹۷-۹۵)

ابن قتیبه نقل می‌کند: وقتی خبر بیعت مردم با علی به عایشه رسید، وی خارج مدینه بود. به عایشه گفتند: عثمان کشته شد و مردم با علی بیعت کردند. عایشه در پاسخ گفت: از این که آسمان بر زمین افتد سرزنشی بر آسمان نیست. به خدا سوگند، عثمان مظلومانه کشته شد. من خواهان خون او هستم. عبید در پاسخ عایشه گفت: تو اولین کسی بودی که عثمان را سرزنش می‌کردی و مردم را در مورد او به طمع انداختی تا جایی که در مورد او گفتی: بکشید نعل را که گناهکار است. (ابن قتیبه، ج ۱، ص ۷۲ و ابن اعثم، ج ۲، ص ۴۳۷ و ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۰۶)

محمد بن ابی بکر، برادر عایشه، که شیعه‌ی مخلص علی(ع) بود، معتقد بود که ناکشیدن خونخواهی عثمان را بهانه‌ای برای پیشبرد اهداف خویش قرار داده‌اند و در باره‌ی آنان می‌گفت: «به خدا سوگند، کسی جز آنان قاتل عثمان نیست» (مفید، ص ۲۲۹)

امیر المؤمنین علی(ع) از نیت عایشه خبر یافت، محمد بن ابی بکر را خواند و گفت: شنیده‌ای که خواهر تو عایشه چه اندیشه کرده است و چه خیال در خاطر گذرانیده؟ اولاً از خانه که خدای تعالی او را به ملازمت آن فرموده است، بیرون آمده و ثانیاً طلحه و زبیر را بر مخالفت من تحریک نموده، جمعیتی ساخته و به عزیمت محاربت و منازعت من به جانب بصره رفته است. محمد چون این سخن را از امیر المؤمنین علی(ع) شنید، تحت تأثیر عواطف خویشاوندی قرار نگرفت و گفت: یا امیر المؤمنین این امر سهل است. خدای عزّ و جلّ یار تو است، تو را پیروز گرداند. مسلمانان در خدمت و موافقت تویند. این کار به عون حقّ تعالی چنان که دل تو می‌خواهد، کفایت شود و به مخلص رسد. ان شاء الله. (ابن اعثم، ج ۲، ص ۴۵۷)

اصحاب جمل تصمیم به خروج گرفتند و به طرف بصره حرکت کردند. وقتی این خبر به امیرالمومنین علی(ع) رسید. او اصحاب خود: ابن عباس، محمد بن ابی بکر، عمار بن یاسر و سهل بن حنیف را فرا خواند و این موضوع و خبر تصمیم آن قوم را برای رفتن به بصره در اختیار ایشان نهاد و با آنان مشورت کرد. تصمیم بر این شد که امیرالمومنین علی(ع) با همراه اصحاب خود و سپاه از مدینه خارج شوند و از میان راه هم از کوفه و شهرهای دیگر هم نیروی کمکی بخواهند.

امیرالمومنین علی(ع) در راه نمایندگانی، از جمله محمد بن ابی بکر را برای جمع آوری نیرو به

سوی کوفه فرستادند. در مورد اعزام محمد بن ابی بکر و نامه از طرف امام ۷ به سوی کوفه، روایات و اقوال مختلفی است. اختلاف در این باره است که همراه محمد بن ابی بکر، چه کسی به کوفه رفته است: محمد بن عون (طبری، ج ۴، ص ۴۷۷) یا محمد بن جعفر (ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۲۳ و ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۱۲) یا محمد بن حنفیه (مفید، ص ۲۵۷) یا عمار (ابن قتیبه، ج ۱، ص ۸۴) یا عبدالله بن عباس (بلاذری، ج ۲، ص ۲۳۱) آنچه در کتب تاریخی در مورد محمد بن ابی بکر آمده و قدر متیقن است، آن است که محمد به نمایندگی از طرف امیرالمؤمنین علی (ع) به سوی کوفه فرستاده شده بود. حضرت علی (ع) پس از این که خبر موثقی درباره ی موفقیت یا عدم موفقیت محمد بن ابی بکر و ابن عباس در جلب حمایت مردم کوفه دریافت نکرد، از «ذی قار»، امام حسن (ع) و عمار یاسر را به کوفه گسیل کرد. (بلاذری، ج ۲، ص ۲۳۴)

در روز جنگ، امیرالمؤمنین علی (ع) محمد بن ابی بکر را بر همه ی پیاده نظام گماشت. (ابن اعثم، ج ۲، ص ۴۶۸) او در طول جنگ رشادت های فراوانی از خود نشان داد و ثور بن عدی، یکی از فرماندهان سپاه جمل را از پا درآورد. (همان)

امیرالمؤمنین علی (ع) اجتماع مردم بصره را بر گرد شتر عایشه دید که چون می گریزند، باز برمی گردند و در اطراف آن جمع می شوند، به عمار، سعید بن قیس، قیس بن سعد بن عباده (ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۵۷ و امینی، ج ۲، ص ۹۰)، اشتر ابن بدیل، محمد بن ابی بکر و نظایر ایشان از بزرگان اصحاب خود فرمود: اینان تا هنگامی که این شتر برابرشان پا برجاست پایداری می کنند ولی اگر شتر از پای در آید هیچکس پایداری نخواهد کرد.

آنان با گروهی از نامداران به سوی شتر حمله بردند و بصری ها را از اطراف آن دور کردند و مردی از قبیله مراد کوفه، به نام اعین بن ضبیعه خود را به شتر رساند و پاشنه های آن را قطع کرد. شتر بانگی سخت برآورد و میان کشتگان افتاد و هودج عایشه نگون سار شد. امیرالمؤمنین علی ۷ روی به محمد بن ابی بکر کرد و گفت: خواهر خویش را دریاب و مگذار که سوای تو کسی به حوالی هودج او گردد. (ابن اعثم، ج ۲، ص ۴۸۲) محمد دست خود را داخل هودج کرد که به جامه ی عایشه رسید و عایشه گفت انالله، تو کیستی؟ مادرت به عزایت بنشیند و بر سوگ تو گریه کند. گفت: من برادرت محمدم. (دینوری، ص ۱۵۱) گفت: «کسی که از همه ی مردم به تو

نزدیک تر است و بیشتر از همه او را دشمن داری، من محمد برادرت هستم». می گوید «آیا صدمه‌ای دیده‌ای؟» (ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۴۴) گفت: «فقط تیری به من خورده است که صدمه‌ای نزده است» (دینوری، ص ۱۵۱). محمد بن ابی بکر نزد خواهرش عایشه آمد و گفت: آیا از رسول خدا نشنیدی که می‌گفت: علی با حق است و حق نیز با علی است. ولی تو به خاطر خون عثمان با علی جنگیدی. (ابن قتیبه، ج ۱، ص ۹۸) آن‌گاه علی آمد و نزدیک او ایستاد و با چوب به تخت روان زد و گفت «ای حمیرا، پیامبر خدا گفته بود این طور کنی؟ مگر نگفته بود که در خانه‌ات بنشینی؟ به خدا کسانی که تو را بیرون آوردند در حق تو به انصاف رفتار نکردند که زنان خود را در پرده نگه داشتند و تو را از پرده برون آوردند». آن‌گاه به برادر او محمد گفت تا وی را در خانه‌ی صفیه دختر حارث بن طلحه عبدی فرود آورد. (مسعودی، ج ۲، ص ۲۶۷ و ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۵۵)

بعد از اتمام جنگ، امیرالمومنین علی به محمد بن ابی بکر فرمود: همراه خواهرت برو و او را به مدینه برسان و شتابان پیش من به کوفه برگرد. محمد گفت ای امیر مؤمنان مرا از این کار معاف فرما. امیرالمؤمنین علی ۷ فرمود: معاف نمی‌دارم و از آن چاره نیست. او همراه خواهر خود رفت و او را به مدینه رساند. (دینوری، ص ۲۵۲) و برادر عایشه، محمد بن ابی بکر را، با چهل تن از زنان گزیده بصره، با او همراه ساخت. (ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۵۸ و مفید، ص ۴۱۵)

۲. محمد در جنگ صفین

بزرگ ترین فتنه‌ای که در زمان حکومت امیرالمومنین علی واقع شد، فتنه‌ی جنگ صفین بود. آتش این جنگ که بر اثر لجبازی‌ها و ریاست طلبی‌های معاویه برافروخته گردید، تأثیر سرنوشت سازی در تاریخ اسلام برجا گذاشت.

امیرالمومنین علی(ع) بعد از اینکه آتش فتنه‌ی جنگ جمل را خاموش کرد و بر آن پیروز شد، متوجه لجبازی‌های معاویه شد. امام علی (ع) در ابتدا او را با نامه نگاری‌ها (ابن مزاحم، ص ۲۷ و ابن اعثم، ج ۲، ص ۵۰۶) به صلح و دوستی دعوت کرد. اما او نپذیرفت. بعد از اتمام حجت‌های الهی بر معاویه و شامیان، امیرالمومنین علی(ع)، در ۵ شوال سال ۳۶ ق با سپاهی (ابن اعثم، ج ۲، ص ۵۲۸ و مسعودی، ج ۲، ص ۳۷۵) از کوفه به طرف صفین حرکت کرد. (وقعه

الصفین، ص ۱۳۱ و مسعودی، ج ۲، ص ۳۷۴)

در باره‌ی حضور محمد بن ابی بکر در جنگ صفین اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این باورند که محمد بن ابی بکر در جنگ صفین شرکت نداشت. جواد سلیمانی در کتاب خویش «حیات فردی و اجتماعی محمد بن ابی بکر» می نویسد: صفین یک ماه پس از انتصاب محمد بن ابی بکر به استانداری مصر اتفاق افتاد. از طرفی، وقتی که قیس بن سعد از حکومت مصر عزل شد، حضور او در جنگ صفین در منابع ذکر شده است. بنابر این محمد در جنگ حضور نداشت. در جنگ صفین از طرف شامی ها شعار دادند: الطیب بن الطیب؛ عبیدالله بن عمر با ماست. در مقابل عراقی ها فریاد زدند: بل هو خبیث بن الطیب والطیب بن الطیب؛ محمد بن ابی بکر با ماست. (ابن اعثم، ج ۳، ص ۳۸ و دینوری، ص ۱۷۸) جواد سلیمانی همچنین این را دلیل بر حضور محمد بن ابی بکر در جنگ نمی داند، بلکه گوید: منظور عراقی ها این بود که محمد بن ابی بکر از طرفداران ماست. نه این که محمد در جنگ حضور داشت. (سلیمانی، ص ۴۸)

شواهد دالّ بر این است که محمد بن ابی بکر در جنگ صفین در سپاه امیرالمؤمنین علی(ع) حضور داشت و علیه معاویه جنگید. (ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۲۲)

۱. وقتی که محمد بن ابی بکر وارد مصر شد، هنوز یک ماه تمام نشده بود، که به اهل خَربَتا که قیس با آنان مسالمت آمیز رفتار کرده بود، دستور داد یا اطاعت کنند و یا از مصر خارج شوند. (طبری، ج ۴، ص ۵۵۷) آنها حاضر به بیعت با محمد بن ابی بکر نبودند. از طرفی، هنوز جرأت مخالفت نداشتند. بنابر این آنها باید از مصر خارج می شدند. بنابر روایتی که کندی از عبدالکریم بن حارث نقل می کند، بین محمد و اهل خَربَتا پیمان صلحی بسته شد و آنان پذیرفتند که به فسطاط، مقرّ حکومت محمد وارد نشوند و پس از آن به سرزمین های تحت حاکمیت معاویه بن ابی سفیان کوچ کرده، به او پیوستند. (مقریزی، ج ۴، ص ۱۵۶)

۲. این اخطار محمد بن ابی بکر به مخالفان و خروج آنها از مصر، قبل از جنگ صفین بود. شواهد تاریخی نشان می دهد مخالفان به معاویه پیوستند و در جنگ صفین شرکت کردند. رهبران مخالفان محمد بن ابی بکر که اهل خَربَتا بودند عبارتند از: یزید بن حارث

بن مدلجی کنانی (ابن تغری، ج ۱، ص ۹۸)، معاویه بن خدیج، مسلمة بن مخلد، بسر بن ابی ارطاة. (طبری، ج ۴، ص ۵۵۳)

۳. منقری نقل می‌کند: معاویه بن ابی سفیان برای جنگ صفین مسلمة بن مخلد را که از مخالفان محمد بن ابی بکر بود، دعوت کرد. او هم این دعوت را پذیرفت. (ابن مزاحم، ج ۴۴۶) معاویه او را به سرداری فلسطینیان در جناح چپ لشکر (ابن مزاحم، ص ۲۰۶) و بسر بن ابی ارطاة عامری را به سرداری دنباله‌ی سپاه گماشت. (همان، ص ۱۵۷) و یزید بن حارث را نیز به سرداری غسانیان اردن (همان، ص ۲۰۷) بسر بن ارطاة و معاویه بن خدیج هنگام نوشتن پیمان نامه‌ی آتش بس، از طرف معاویه حضور داشتند. (همان، ص ۵۰۷)

۴. محمد بن ابی بکر در ابتدا توانست مخالفان را از مصر خارج کند. مخالفان نیز جرأت مخالفت یا لشکرکشی را نداشتند. آنها موقتاً از مصر خارج شدند. محمد هم عبدالله بن ابی حرمه بلوی را جهت حفظ امنیت شهر به عنوان رئیس شرطه منصوب کرد. (الکندی، ص ۳۴) تمامی این اتفاقات بعد از ورود محمد بن ابی بکر به مصر و قبل از جنگ صفین اتفاق افتاد، چرا که مخالفان در جنگ صفین حضور داشتند. مخالفان از مصر خارج شدند و به معاویه ملحق شدند.

۵. بر طبق شواهد و دلایلی که ذکر شد، مصر، قبل از جنگ صفین خالی از مخالفان شده بود. معاویه بن ابی سفیان و عمرو عاص نیز در شام - همسایه‌ی مصر - نبودند. بنابراین بعید است که محمد بن ابی بکر در جنگ شرکت نکرده باشد؛ زیرا خطری حکومت را تهدید نمی‌کرده و جنگ صفین نیز جنگی سرنوشت ساز، برای دو سپاه بوده است. شواهد دیگری هم حضور محمد بن ابی بکر را در جنگ صفین تأیید می‌کند، مانند:

۶. وقتی که مردم عراق برای جنگ آماده شدند امام علی (ع) خطاب به آنها فرمود: أیها الناس، إنما بايع معاوية أهل الشام، و ليس له غيرهم ولیّ و لا نصير، و إنكم أهل الحجاز، و أهل العراق، و أهل اليمن، و أهل مصر... (ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱۲۴) ای مردم، شما با معاویه بیعت کرده‌اند و معاویه، یاری دهنده‌ای جز آنان ندارد. شما مردم حجاز

و عراق و یمن و مصر هستید. خطبه‌ی امام علی(ع) نشان می‌دهد که مردم مصر در جنگ صفین حضور داشتند و محمد بن ابی‌بکر، مصریان را همراهی می‌کرد؛ زیرا امام علی(ع) به تمام کارگزاران خود نامه نوشته بود که به سپاه او بپیوندند.

۷. ابن قتیبه نقل می‌کند: زمانی که سپاه امیرالمومنین علی(ع) آماده‌ی حرکت به شام شد، مالک اشتر را بر مقدمه‌ی لشکر و شریح بن هانی را بر کناره‌ی آن و محمد بن ابی بکر را بر مهاجران و انصار و عبدالله بن عباس را بر مردم بصره، عبدالله بن جعفر را بر مردم کوفه و عمار یاسر را بر گروه سواران و حسن بن علی(ع) را بر قلب لشکر گماشت. (ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱۲۴)

۸. در ادامه‌ی جنگ، هنگامی که معاویه، عبیدالله بن عمر بن خطاب را با سپاهی منظم به جنگ امام علی(ع) فرستاد، امام محمد بن ابوبکر را با سپاهی از سواران به سوی او گسیل کرد و با جنگی که میان‌شان درگرفت تعداد زیادی از دو طرف کشته شدند. (ابن اعثم، ج ۳، ص ۲۳) محمد در جریان صفین رشادت‌های بسیاری از خود نشان داد و تعداد زیادی از شامیان را از بین برد. (ابن اعثم، ج ۳، ص ۲۴)

۹. او در جریان جنگ همراه امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در سپاه حضرت علی(ع) بود و آن حضرت وی را فرمانده میسره‌ی سپاه خویش قرار داده بود. (همان، ص ۲۵) وجود محمد در سپاه امام علی(ع) نقطه‌ی قوتی به شمار می‌آمد. سپاه امام علی(ع) در اشعار خود علیه شامیان این رجز را می‌خواندند: «هان، پاک، پسر پاک، محمد بن ابی‌بکر، همراه ماست». (دینوری، ص ۱۵۸ و ابن مزاحم، ص ۲۹۳ و ابن اعثم، ج ۳، ص ۳۸)

۱۰۷

بنابر شواهد و دلایل مذکور، محمد بن ابی‌بکر به دعوت امام، در جنگ صفین حضور داشته است. جنگ صفین ۱۱۰ روز طول کشید و ۱۷ صفر ۳۷ ق. به پایان رسید. ۹۰ حمله در این مدت، صورت گرفت و ۷۰/۰۰۰ نفر کشته شدند؛ ۴۵/۰۰۰ نفر از لشکر معاویه و ۲۵/۰۰۰ نفر از سپاه امام علی(ع). (مسعودی، ج ۲، ص ۳۵۲)

نتیجه

آغاز خلافت امیرالمومنین علی (ع) که با کشته شدن خلیفه‌ی سوم، رقم خورد، با مشکلات فراوانی رو به رو بود. فتنه‌گران و فرصت طلبان به بهانه‌ی کشته شدن عثمان، خلافت امام علی(ع) را انکار کردند و جنگ‌ها و فتنه‌ها به راه انداختند. جنگ جمل و صفین و سقوط مصر از آثار این فتنه‌ها بود. محمدبن‌ابی‌بکر در وقایع مهم دوره‌ی خلافت امام علی(ع)، نقش آفرینی داشت. در جنگ جمل که به رهبری خواهرش عایشه در مقابل امیرالمومنین علی (ع) به راه افتاد، از جانب امام علی (ع)، علیه خواهرش جنگید. او حق را با احساسات و عواطف خویشاوندی، معامله نکرد. محمد در جنگ جمل نزد عایشه رفته، یادآوری کرد که آیا از رسول خدا ۹ نشیندی که می‌گفت: علی با حق است و حق نیز با علی است.

حضور محمد در جنگ جمل، برای امام علی (ع) حائز اهمیت بود؛ زیرا زمانی که امام علی (ع) بر اصحاب جمل مسلط شد، توانست به واسطه‌ی حضور محمد، به عایشه رسیدگی کند. عایشه ام المؤمنین خوانده می‌شد و تنها محمدبن‌ابی‌بکر، در این جنگ به ایشان محرم بود. امام علی(ع)، عایشه را در پناه محمد و چهل تن از زنان برگزیده‌ی بصره، همراه ساخت

مهم‌ترین منصب محمدبن‌ابی‌بکر در دوره‌ی خلافت امام علی (ع)، حکومت بر مصر - از جانب امام - بود. بنابر شواهد تاریخی، محمد در ابتدا، به خوبی از عهده‌ی اداره‌ی حکومت مصر برآمده و توانست برای یاری امیرالمؤمنین علی (ع) نیرو و لشگری به جنگ صفین بفرستد. طبق شواهد و دلایل معتبر، خود محمد نیز در جنگ صفین حضور داشت. حضور او در جنگ صفین، برای سپاهیان امام علی(ع) نقطه‌ی قوتی بر دشمن محسوب می‌شد.

منابع

۱. ابن قتیبة دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة دینوری (ت ۲۷۶ ق.)، الإمامة والسياسة، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
۲. ابن ابی الحديد، أبو حامد عز الدين عبد الحميد بن محمد بن أبي الحديد مدائنی (متوفی ۶۵۶ ق.)، شرح نهج البلاغة (ابن أبي الحديد)، مصحح: محمد ابو الفضل ابراهيم، مكتبة آيت الله المرعشي النجفي العامة، قم، ط الاولى، ۱۳۷۸ ش، ج ۶، ص ۵۳.
۳. ابن اعثم كوفي، ابو محمد احمد بن علی اعثم كوفي الكندی (ت نحو ۳۱۴ ق.)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى، ۱۴۱۱/۱۹۹۱.
۴. ابن حجر، احمد بن علی بن محمد، ابو الفضل عسقلانی شافعی، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمية، ط الأولى، ۱۴۱۵/۱۹۹۵.
۵. ابن قتیبة، ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة دینوری (ت ۲۷۶ ق.)، الامامة والسياسة (معروف به تاريخ الخلفاء)، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
۶. ابن كثير، أبو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي (م ۷۷۴ ق.)، البداية والنهاية، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.
۷. الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدين شيال، قم، منشورات الرضى، ۱۳۶۸ ش.
۸. بلاذري، ابو الحسن (ابوبكر يا ابو جعفر) احمد بن يحيى بن جابر بن داود (ت ۲۷۹ ق.)، أنساب الأشراف، تحقیق سهيل زكار و رياض زركلي، بیروت، دار الفكر، ط الأولى، ۱۴۱۷/۱۹۹۶.

۹. تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، تهران، جلد ۲ و ۱، سروش، چ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. جواد سلیمانی، حیات فردی و اجتماعی محمد بن ابی بکر، انتشارات امیری، قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ ش.
۱۱. جتّی، فلیپ خوری، تاریخ عرب، مترجم ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، (ت ۲۸۲ ق.)، الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیبال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۱۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، (ت ۳۱۰ ق.)، تاریخ الرسل الامم والملوک (معروف به تاریخ الطبری)، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت، ط الثانية، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.
۱۴. الکندی، ابو عمر محمد بن یوسف بن یعقوب الکندی، ولادة مصر، تحقیق: ابوالحسن احمد فريد المزیّد و ابو عبدالله محمد حسن محمد اسماعیل، دارالکتابهای العلمیّة، بیروت، ط الاولى، ۲۰۰۳ م. ۱۴۲۴ ق.
۱۵. مسعودی، علی بن الحسین (ت ۳۴۶ ق.)، التنبيه والإشراف، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، بی تا، افست قم: مؤسسه نشر منابع الثقافه الاسلامیّه.
۱۶. مسعودی، علی بن الحسین (ت ۳۴۶ ق.)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، دار الهجرة، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۱۷. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (۴۱۳ ق.)، الجمل و النصره لسيد العتره فی حرب البصره، تحقیق: علی میرشریفی، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.
۱۸. منقری، ابو الفضل نصر بن مزاحم بن سیار منقری (ت ۲۱۲ ق.)، وقعته صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاهرة، المؤسسة العربیة الحدیثه، الطبعة الثانية، ۱۳۸۲، افست قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.